

بسم الله الرحمن الرحيم

کوروش سرسلسله هخامنشیان

مؤلف :

سرهنګ حمید هاشمی

انتشارات فرهنگ و قلم

۱۳۹۲

- سرشناسه : هاشمی، حمید، ۱۳۳۱ - گردآورنده.
- عنوان و نام پدیدآور : کوروش سرسلسله هخامنشیان/ مولف حمید هاشمی.
- مشخصات نشر : تهران : فرهنگ و قلم، ۱۳۹۱.
- مشخصات ظاهری : ۲۷۲ ص.؛ مصور.
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۸۳-۶۶-۹
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- موضوع : کوروش هخامنشی، شاه ایران، ~ ۵۲۹ ق.م.
- زبان : فارسی
- رده بندی کنگره : DS۹۱۳۳۱۳۹۱/۵۲
- رده بندی دیویی : ۹۰۰/۹۵۵
- شماره کتابشناسی ملی : ۶۰۰۶۸۲

شناسنامه کتاب

نام کتاب : کوروش سرسلسله هخامنشیان

مولف : سرهنگ حمید هاشمی

انتشارات : فرهنگ و قلم

سال و نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۲

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۸۳-۶۶-۹

ویراستار : کتایون هاشمی

ناظر چاپ : سید مهدی صالحی طباطبائی

چاپخانه : صادق صحافی : گلستان تیراژ : ۶۰۰۰ نسخه

آدرس : تهران - خیابان انقلاب - خیابان دانشگاه - کوچه بهار - پلاک ۴

تلفن : ۶۶۴۹۲۷۳۲ فکس : ۶۶۴۸۷۳۷۲

قیمت : ۱۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۸	مقدمه
۱۵	کوروش در نوشته های هرودوت
۱۶	تولد کوروش
۱۹	احضار چوپان به دربار شاه و اعتراف وی
۲۰	اطلاع یافتن شاه و فرمانی شاهانه
۲۳	تحریک هاریاک کوروش را
۲۳	قیام کوروش
۲۷	کوروش در روایت کتزیاس
۲۸	زندگی کوروش به روایت گزنفون
۲۹	استقبال ملیت ها از کوروش
۳۱	تولد کوروش و تربیت پارسی ها
۳۸	کودکی کوروش
۴۵	کوروش در دربار ماد
۵۱	کوروش در پارسی
۵۳	کوروش در نوشته های دیو دور سیسلی
۵۴	کوروش در نوشته های ژوستن
۵۶	قیام کوروش بر شاه ماد
۵۷	لوحه نبونید
۵۸	مقایسه نوشته های مورخین عهد قدیم

صفحه	موضوع
۶۲	فتح سارد و تسخیر لیدیه
۶۳	اوضاع لیدیه در عصر کوروش
۶۵	حاکمان لیدیه با حکمای یونان
۶۶	سُئِن حکیم در بارگاه کرزوس
۶۸	تأثیر سقوط همدان در فروپاشی روحیه کرزوس
۷۰	مشورت کرزوس با پیشگوها (پی تی غیگویی معبد دلف)
۷۳	کرزوس در صدد اتحاد با یونانیان
۷۵	تیزهوشی و درایت کوروش
۷۶	کوروش در تدارک جنگ
۷۸	تلاش مجدد کرزوس برای جلب اتحاد
۷۹	ترخیص سپاهیان مزدور توسط کرزوس
۷۹	سیاست کوروش در مقابله با لیدیه
۸۰	راه نفوذ به سارد
۸۴	کوروش و لیدی ها در نوشته های کتزیاس
۸۴	کوروش و نظر محققین
۸۶	کوروش و کرزوس پس از پیروزی
۸۸	لیدیه در نوشته های هرودوت
۸۹	جنگ کوروش در نوشته های دیو دورسیسلی
۹۰	جنگ کوروش از نظر ژوستن (تروک پومپه)
۹۱	اسناد بابلی درباره جنگ کوروش
۹۲	مستعمرات یونانی آسیای صغیر

صفحه	موضوع
۹۳	درخواست یونانیان آسیای صغیر از کوروش و پاسخ کنایه آمیز او
۹۵	مراجعت کوروش از سارد
۹۷	تسخیر باقیمانده ولایات آسیای صغیر
۹۸	نوشته های گزنفون درباره کوروش و فتوحات او
۹۹	رابطه کوروش و کیاکسار و کمک کوروش به او
۱۰۲	کوروش در ماد
۱۰۴	سفرای هند در برابر ماد
۱۰۶	عزیمت کوروش به ارمنستان
۱۰۶	محاكمه پادشاه ارمنستان
۱۰۹	بازگشت کوروش به ماد
۱۱۰	جنگ اول با کرزوس
۱۱۴	حمایت گرگانی ها از کوروش در مقابل آسور
۱۱۷	ویژگی های کوروش
۱۱۹	سهم کوروش از غنائم
۱۲۰	آزادسازی اسرای آسوری
۱۲۱	کیاکسار در عیش و نوش
۱۲۳	گبرياس در خدمت کوروش
۱۲۵	پانته آ سهم کوروش با وقار
۱۲۹	بهره مندی از وقایع
۱۳۱	آبراداتاس و تحولات وقوع یافته
۱۳۲	وداع آبراداتاس با پانته آ

صفحه	موضوع
۱۳۸	جنگ دوم با کرزوس
۱۴۲	تسخیر سارد
۱۴۳	صحبت کوروش با کرزوس
۱۴۷	مراسم دفن آبراداتاس
۱۴۹	خودکشی پانته آ
۱۵۱	رفع اغتشاش کاری ها
۱۵۳	مطیع شدن فریگیه
۱۵۶	تسخیر بابل و انقراض دولت کلدانی
۱۶۰	تشریح بابل از زبان هرودوت
۱۶۳	تسخیر بابل
۱۶۴	تسخیر بابل از مدارک بابلی
۱۶۵	بیانه کاهنان بابلی
۱۶۸	بیانیه کوروش در بابل
۱۷۶	نوشته های تورات
۱۷۶	انگشتانش از غیب بر دیوار می نویسد
۱۸۰	توجه کوروش به ملت یهود
۱۸۸	نوشته های گزنفون و محاصره بابل
۱۹۰	تسخیر بابل
۱۹۴	استقرار کوروش در کاخ شاهی
۱۹۹	تاسیسات کوروش
۲۰۲	چگونه کوروش اشخاص را جمع می کرد

صفحه	فهرست مطالب
۲۰۹	ضیافت کوروش
۲۱۴	هدایای کوروش
۲۱۵	مرخص کردن متحدین
۲۱۶	اخلاق و عادت بابلی ها
۲۱۸	مطیع شدن فینیقیه و فلسطین
۲۲۲	فلسطین
۲۲۲	کوروش پس از تسخیر بابل
۲۲۴	روایت هرودوت
۲۳۱	روایت کتزیاس
۲۳۲	روایت برس
۲۳۴	ورود کوروش به ماد
۲۳۴	کوروش در پارس
۲۳۶	فرستادن حاکمان به ایالات
۲۴۰	تسخیر سوریه و فلسطین
۲۴۳	فوت کوروش
۲۵۰	روایت استرابون
۲۵۱	روایت دیودور
۲۵۲	روایت ژوستین (تروگ پومپه)
۲۵۲	مقایسه
۲۵۴	ماساژت ها
۲۵۷	خصائل کوروش
	منابع

مقدمه :

از مطالب مندرج در تاریخ ایران در اعصار باستانی و از نوشته های مورخین کهن چنین درمی یابیم که :

بزرگ شدن پارس و قدرت یافتن پارسی ها یکی از وقایع مهم در تاریخ مشرق قدیم محسوب میگردد چرا که این اقوام توانستند دولتی تاسیس کنند که عالم قدیم را به استثنای دو ثلث یونان تحت تسلط خود درآورند ، چیزی که از واقعیت های اتفاقیه و مورد نظر آحاد مورخین کهن می باشد و موجبات افتخار و نه تنها ایرانیان بلکه جهانیان گردیده ، مطلبی که در دنباله سخن به آن پرداخته و مبنی بر این می باشد که اگر به گذشته های خود افتخار داشته و می بالیم نه تنها بواسطه جهانگشائی ها بوده و نه تنها بخاطر اینکه از دریای سرخ تا دریای مدیترانه و تا اقصی نقاط هند و تا آنسوی ماوراءالنهر را تحت سلطه حکومت های ایرانی مشاهده نموده ایم ، چنین نیست بلکه بواسطه رفتار انسانی اصالح

کوروش می باشد ، مطالبی که از سخنان مورخین غالباً غیرایرانی استنباط میشود و همچنین است که پارسها هنگامی هم که متعرض شدند (منظور هخامنشیان است) از عرصه تاریخ خارج نگشته بلکه در قرون و اعصار متمادی بطور مکرر راهها را پیموده اند و از پستی ها و بلندی ها عبور کرده ، افتاده و برخاستند اما هرگز صحنه ایرانبانی را رها نکرده و درین مدت بارها به جهانبانی پرداختند و این است که نام ایران بر جریده عالم ثبت گردیده و برخلاف سایر ممالک در اعصار کهن که در طول تاریخ از میان رفتند ایران همچنان باقیست .

نکته حائز اهمیت دیگری بر درین رابطه قابل توجه می باشد که باز هم نشاندهنده وجود تمایز بی شماری است که حکومت های ایرانی تحت نفوذ افکار پارسیان ، ... با سایر حکومتها دارند که :

در عصر جهانبانی ایرانیان و در روزگار سلطنت پادشاهانی چون کوروش حتی اگر که تمامی عرصه ها را نیز تحت سیطره خود درآورده باشند ، هیچ آسیب جزئی و کلی بر دامنه بشریت وارد نشد ... هیچ تمدنی از میان نرفت و هیچ قوم و قبیله ای به نابودی نگرائید و هیچ شهر و دیاری به آب بسته نشد و حکومت های مسلطی چون کوروش هرچه فتوحاتشان گسترده تر ، منافعتشان بیشتر شد . کاری که برای نخستین بار توسط بنیانگذار سلسله هخامنشیان باب گشته و رواج داده شد و چیزی که از اقدامات کوروش در فتح بابل کاملاً ملموس است و چه به جا می باشد انجام مقایسه ای فی مابین او و سایر جهانگشایان ، مقایسه ای که نمایانگر امیال انسانی کوروش و افکار والای او می باشد که برخلاف شخصیت هانی چون نبوپلصر ، بخت النصر ، سادکن و امثال این افراد که اصولاً با کوروش به قیاس در نمی آیند . واقعاً که چهره کوروش چهره ای کاملاً متمایز از سایر صورت هاست و رفتارش نیز .

به نوشته های زیر توجه کنیم مطالبی که در ایران باستان ، حسن پیرنیا ، ذیل صفحات ۱۳۳ الی ۱۳۶ مندرج است. (نشر افراسیاب ، چاپ هشتم)

از پادشاهان عیلام در سلسله سوم کاسی ها ، شونزوک ناخون نا شاه عیلام به ویران ساختن بابل می بالد و به انتقال مجسمه های خدایان و تخریب معابد و کشتار بیرجمانه ای که ...

و در سلسله پنجم از این خاندان : بار دیگر ویرانگری ها آغاز می شود و مزارع خراب و شهرها ویران و معابد غارت می گردد .

و از عیلامی ها گذشت ، آشوری ها را که این اقوام سالیانه دوبار ممالک مجاور را مورد تهاجم قرار می دادند تا کشت و کشتار کرده و به اسارت درآورند و در بردگی به کارهای دشوار وادار کنند.

از ویژگیهای این قوم ستمگر ، شقاوت و بی رحمی افراطی نسبت به مغلوبین است که درین میان نکته جالب عبارتست از اینکه :

این اقدامات وحشیانه خود را مورد رضایت خدای خود دانسته ، به دامنه آن هرچه بیشتر می افزایند و چنانکه آورده اند شاهان آشور برای جلب هرچه بیشتر رضایت خدا با دستان خود اسرا را کور می کردند و کودکان را دست و پا گرفته به در و دیوار می کوبیدند که از جمله تیکلات بالسر ، اطفال خردسال را می سوزاند و بزرگترها را کور می کرد ، بخت النصر که از نیر شقاوتهای بی حد و حصری از خود به معرض ظهور رسانید و بویژه با مردم یهود کاری کرد که بازتاب آن تا عصر حاضر طنین انداز است که علاوه بر کشت و کشتار و تجارت ، هزاران تن را به اسارت برد ، همان اسرائیلی که شاه پارس ، کوروش هخامنشی ، از بردگی رهائی داد .

مطالب فوق الذکر یکی از هزار مطلبی است که در رابطه با رفتار شاهان عصر باستان می توان گفت ، پادشاهانی که پیش از کوروش فرمانروائی داشتند و حتی پس از کوروش در فتح ایران ، رفتاری که اسکندر مقدونی از خود بروز داد .

شاید با توجه به این جهات تاریخی است که یاد کوروش همواره در تاریخ ایران و حتی جهان یادی گرامی به شمار می رود که شاهی با کفایت و عدالت پرور و نועدوست بوده که پیش از هر چیز به انسان و انسانیت بها می داد کما اینکه در فتح بابل از وی دیده می شود ، ... و به آنچنان رفتار و گفتاری پسندیده مشهور می گردد که حتی کابن بابل (روحانیت بابل) در تعریف از وی اطلاعیه مفصلی صادر و کوروش را ناجی بابل می خواند و به گونه ای از او سخن می راند که گوئی در انتظارش بوده اند .

ضمن اینکه شاه بابل یعنی نبونید را ملامت کرده و موجب نابودی بابل و نارضایتی خدا می خوانند و اینکه سرانجام مردوک به مردم نظر لطف انداخت و در جستجوی پادشاهی عادل برآمد و کوروش را یافت ، شاه انشان را .

در اطلاعیه کوروش نیز سخنان جالب توجهی آمده ، سخنانی که به عنوان فرمایشات رهبری پیروز ... نادر است ، درین اطلاعیه کوروش به معرفی خود پرداخته و سطور اولیه استوانه را به اینکه :

من کوروش ، شاه عالم ... شاه بزرگ ... و ... همچنان تا معرفی اجدادش و در دنباله مطالب اشاره به اینکه سلطنت او مورد رضایت بل و نبو است که این امر نشان دهنده توجه و احترام کوروش به مذاهب می باشد چیزی که در دنباله سخن یا آن بهتر آشنا می شویم و عبارتست از اینکه :

چرا کوروش تا این درجه موفق و محبوب بوده ... که هیچ امری بی علت نیست.

در عصری که از آن سخن در میان است فاتحان و جهانگشایان پس از تصرف ممالک متصرفه به چیزی که نمی اندیشند مردم و دین و آئین آنان و به آنچه فخر کرده و مباهات دارند ... از کشته ساختن و نهادهای خون جاری کردن و نهادهای بی آب و علف نمودن است ... و کوروش در چنین عصر و زمانه ای از محبت سخن می گوید درحالیکه امثال بخت النصر به این می بالند که پس از تصرف شهرها آنها را به آب بستند و احدی را زنده نگذاشتند .

کوروش اظهار می دارد :

آنگاه که سپاهیان من به آرامی وارد بابل شدند به هیچ کس اجازه تعدی ندادم . اجازه ندادم دشمنی وارد بابل شود ... این جمله پرمعنی نیازمند شرح و بسط نیست و اینکه کوروش با این عنوان که (اجازه ندادم دشمنی وارد بابل شود) منظوری جز این نداشته که سپاهیان کوروش دشمن بابل نبوده اند و یا این معنا که از رفتار کوروش برمی آید که خدای کوروش برخلاف خدایان متعددی فرمانروایان دیگر خدای همه جهانیان بوده و با هیچ بشری سر جنگ نداشته است .

اوضاع داخلی بابل و امکنه مقدس آن قلب مرا تکان داد ... به راستی که چه مسائل ریز و درشتی مد نظر کوروش بوده که هر آنگاه در پرستش خود نیز مردم بابل خدایان کوچک و بزرگ را مورد احترام قرار می دهند طبعاً راه را اشتباه گرفته و هدف آنان تقدیس خدای واقعی است که می توان بدریجاً انتقال داد اصولاً رفتار کوروش نشاندهنده این واقعیت است که کوروش از لشکرکشی ها هدفی جز توسعه عدل و داد و برقراری آرامش و نجات مردم از حکومت ها فوق ستمگر ندارد ، این است که با ورود سپاهیان من اهالی بابل به اجرای امر خود موفق شده و از قید اشخاص بی دین رهائی یافتند و ... به راستی که

کوروش شخصیتی کاملاً متمایز از سایر سلاطین داشته و فردی نادر می باشد با تمام ظرائف لازم و چون از رفتار نیکی برخوردار می گردد آقای بزرگ مردوک از او راضی می شود و تمامی شاهان را در مقابل کوروش به تعظیم درمی آورد، اعم از شاهان ممالک بالا از دریای بالا تا دریای پائین و شاهان عرب در خیمه ها و فرمانروایان در سراسر زمین از آسور تا شوش تا آگاده ، تا ایش نوناک ، زامبان ، م تورو ، دری ، گوئی ها و شهرهای آنسوی دجله و مناطقی که از قدیم بنا شده همه و همه را به اطاعت از کوروش مشاهده می کنیم و کوروش مجسمه خدایان را به شهرهای خود باز می گرداند و از آنان طلب دعا و سفارش می کند و با مطالعه مطالب فوق هر چند که تاه و مختصر و قاصر در بیان بلندای روح کوروش می باشد تا حدودی با کوروش آشنائی یافتیم و دریافتیم که کوروش منحصر به فردترین پادشاهی بوده که تا کنون شناخته ایم ، پادشاهی که نه تنها مردم قوم و قبیله و شهر و دیارش ، بلکه تمامی مردم در سراسر سرزمین های پهناور به او علاقمند هستند و به قول تویستیدیه ای با وجودیکه غالباً می دانند که حتی تا پایان عمر قادر به رویت او نخواهند بود اما دوستش دارند ، رابطه ای کاملاً دو جانبه چرا که کوروش نیز خوشبختی و سعادت را برای قوم و قبیله خاصی اراده نمی کند و او نیز خود را شاه تمام مردم در سرزمینهای تابعه می داند ، مگر نه اینکه در معرفی خود اظهار می دارد :
 منم کوروش ، شاه ایران ، شاه جهان ، شاه ممالک پهناور ، شاه چهارگوشه جهان و ... و سرزمینهایی که امروزه نمی شناسیم اما در استوانه کوروش مندرج است ، استوانه ای که از دیارش دور افتاده اما وجود دارد .